

اسلام‌آباد–واشنگتن از «دیپلماسی پینگ پنگ» تا حرکت در دالان چینی

چاشنی هندی آشوب در مناسبات امریکا–پاکستان



این قابل انتظار بود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، سال نو میلادی را با انتشار یک پیام توییتری شروع کند اما انتظار نمی‌رفت او از میان تمام موضوعات متنوع و البته چالش‌برانگیز خارجی، به سراغ پاکستان برود، آن هم با تویییتی توهین‌آمیز. ترامپ در آن توثیت هم به گونه‌ای از کمک مالی به پاکستان گفت که گویی این کشور محتاج آن کمک است و هم اینکه پاکستان را متهم کرد که در مقابل دریافت این کمک «جز دروغ و فریب» چیزی به امریکا نداده است. این کار او نقطه شروع بحران تازه در روابط دو کشور شده به نحوی که امریکا پرداخت ۹۰۰ میلیون دلار به پاکستان را قطع کرده و در مقابل، خرم دستگیرخان، وزیر دفاع پاکستان، از توقف همه همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی کشورش با امریکا گفته است. در این میان، مسیر ارسال تجهیزات نظامی و پشتیبانی به نیروهای امریکایی در افغانستان از طریق خاک پاکستان مبدل به محور تازه تنش شده است، چنانکه پاکستانی‌ها از قصد خود برای قطع این مسیر گفته و امریکایی‌ها هم اعلام کرده‌اند که به دنبال یافتن مسیرهایی تازه خواهند بود. هر چند که تنش بین دو کشور بی‌سابقه نبوده اما به نظر می‌رسد این میزان از تنش مسیر جدیدی را پیش روی دو کشور قرار داده که می‌تواند پایانی باشد به روابط نزدیک سال‌های گذشته به خصوص اینکه حالا پاکستان اتکای به متحد جدیدی دارد.

سال‌های دور اتحاد و بی‌اعتمادی

امریکا تنها دو ماه و شش روز بعد از استقلال پاکستان در ۱۴ اوت ۱۹۴۷، روابط رسمی خود را با کشور تازه تأسیس برقرار کرد تا نخستین کشوری باشد که نه تنها نظامی حمیمم صورت گرفت و سه هواپیمای مشابه هم به پاکستان تحویل داده شد بلکه به رسمیت شناخته بشد و در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر تحریم‌هایی علیه این کشور وضع شد. به عبارت

دیگر، پاکستانی‌ها بعد از این و بر خلاف دوران حاکمیت ژنرال محمد ایوب‌خان در دهه ۶۰ و آن نوع خوش‌بینی بی‌قید و شرط به حمایت امریکا، نحوه روابط خود با این کشور را بر مبنای میزان تأثیر آن در تقابل خود با هند تنظیم کرده‌اند تا دیگر آن اعتماد تام و تمام را به امریکا نداشته باشند و باید گفت که همین امر بر وقایع یک دهه اخیر بین دو کشور سایه انداخته باشد.

دست‌های پنهان

۱۱ سپتامبر و لشکر کشی امریکا به افغانستان باعث شد تا پاکستان نقشی کلیدی در این لشکر کشی پیدا کند و گفته می‌شود ژنرال پرویز مشرف، رئیس‌جمهور پیشین پاکستان، تحت فشار و حتی تهدید امریکایی‌ها مجبور به همراهی با آنها در جنگ به اصطلاح ضد تروریسم شد. دلایل همراهی پاکستانی‌ها با امریکا در این ائتلاف هر چه که بود، نتوانست در دراز مدت رضایت امریکایی‌ها را به دنبال داشته باشد به نحوی که انتقاد از پاکستانی‌ها در ریاست جمهوری باراک اوباما مبدل به یک رویه جدید تهاجمی امریکایی‌ها علیه پاکستان شد. انتقاد شدید رابرت گیتس، وزیر دفاع پیشین امریکا، در مورد حمایت پاکستان از طالبان و تهدید این کشور از به خطر افتادن روابط دو کشور، یک نمونه روشن از این رویه بود که در آوریل ۲۰۰۹ و همان ماه‌های ابتدایی دولت اوباما بیان شد. این رویه با حمله نیروهای ویژه امریکایی به شهر ابیت آباد پاکستان برای کشتن اسامه بن لادن در می به روسیه در سوریه و فعال کردن جنگ در سوریه، فرصتی برای دمیدن آتش آشوب در ایران فراهم شد. البته نباید از این واقعیت نیز غافل شد که مواضع روسیه و امریکا در سوریه در مدت‌های پیش و درست از زمانی که پرونده داعش در سوریه بسته شده، چالش پیدا کرده است و در واقع همکاری‌های موقتی آنها به پایان رسیده و شاید یکی از دلایل آن این باشد که امریکا از روسیه به عنوان ابزار ی در چارچوب استراتژی بحران سوریه در جنگ با داعش استفاده می‌کرد. از دیگر عوامل چالشی در روابط روسیه و امریکا موضوع حل سیاسی بحران سوریه است که امریکا با کمک و درخواست اسرائیل و عربستان می‌خواهد توافقات ژنروا مبنای مذاکرات و حل

انتقام شکست نیویورک از طرطوس

این ماجرا داشته است؟! آیا این ائتلاف همدست بوده که در این صورت هم نقش و جایگاه این کشور در کنار روسیه و ایران سؤال‌برانگیز می‌شود و هم اینکه این سؤال پیش می‌آید که تریه چگونه به امریکا کمک می‌کند که می‌داند هدف اصلی امریکا افزایش تقویت کردهای سوریه و نقش آفرینی آنها در فضای پساداعش است؟! از طرف دیگر اگر فرض کنیم که گروه‌های مسلح که در حمله به پایگاه‌های نظامی روسیه دست و نقش داشتند بدون اطلاع تریه صورت گرفته‌است، در این صورت چه توجیهی برای ادامه همکاری و حمایت تریه از آنها وجود خواهد داشت؟

آنچه در این میان واضح و مبرهن است، اینکه امریکا با گروه‌های مسلح و تکفیری سوریه که طبق قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت گروه‌های تروریستی تعریف می‌شوند، کاملاً ارتباط دارد و از آنها برای مقاصد نظامی خود استفاده می‌کند اما در پاسخ به سؤال دوم در خصوص مقطع زمانی این حمله می‌توان گفت که این حمله درست در واپسین روز‌های شکست پروژه ایجاد آشوب در ایران و بلافاصله بعد از ناکامی نیکی هیلی نماینده و سفیر امریکا در سازمان ملل برای گنجاندن موضوع ایران در دستور کار شورای امنیت



کشیدند، مسئله‌ای که در این جریان رفته رفته اهمیت بیشتری پیدا کرد، ارتباط و نقش و تأثیر هند در این رویه دارد که به نظر پاکستانی‌ها، دست‌های پنهان از لابی هندی‌ها در واشنگتن بر این رویه انتقادی امریکایی‌ها تأثیر گذار بوده است. برای مثال، پاکستانی‌ها توقف کمک مالی امریکا برای خرید هشت فروند اف-۱۶ از این کشور را ناشی از نقش لابی هندی‌ها در واشنگتن می‌دانند. خواجه محمد آصف، وزیر دفاع وقت پاکستان در می ۲۰۱۶ گفت: «دولت امریکا مشکلی در مورد فروش جنگنده‌های اف-۱۶ به پاکستان ندارد، در حالی که لابی هندی موجود در واشنگتن مشکلاتی برای جلوگیری از این معامله ایجاد کرده است.» سر تاج عزیز از نقش‌آفرینان اصلی پاکستانی در سیاست خارجی هم این نظر را دارد و همان موقع گفت: «کنگره امریکا تحت تأثیر لابی هند قرار گرفته است و تلاش می‌کند رئیس‌جمهور این کشور را از کمک مالی به پاکستان منصرف کند.» این تلقی نسبت به نقش لابی هند در این معامله از انجایی تأیید می‌شود که اصل معامله تمام شده بود و به قول مارک توتر، سخنگوی وقت وزارت خارجه، امریکا فروش سلاح به پاکستان را در جهت سیاست خارجی خود می‌داند اما بعد از اعتراض هند و فراخواندن سفیر امریکا در دهلی نو بود که همه چیز به هم خورد.

اتحاد‌های جدید

شاید نگرش پاکستانی‌ها نسبت به میزان نفوذ دست‌های پنهان و لابی هندی‌ها در واشنگتن تا اندازه‌ای مبالغه‌آمیز باشد اما وقتی که شخص هندی‌الاصلی مثل نیکی هیلی در صدر دستگاه دیپلماسی امریکا دیده می‌شود، آنها نمی‌توانند این نفوذ را دست کم بگیرند. همین ارزیابی است که خود به خود باعث می‌شود تا اسلام‌آباد به یک تجدیدنظر اساسی در اتحاد گذشته‌اش با امریکا کشیده شود تا متحدی قابل اعتماد در عرصه رقابتش با هند دست و پا کند که در میان کشورها، چین گزینه نخست پاکستانی‌هاست. رابطه دیرینه با چین از یک سو و رقابت نه چندان پنهانی هندی‌ها با چین باعث می‌شود تا اسلام‌آباد اتحاد جدید خود را بر مبنای توسعه روابط با چین ایجاد کند به ویژه اینکه طرح جدید مشهور به دالان اقتصادی به ارزش ۵۴میلیارد دلار تأثیر قابل توجهی در رونق اقتصادی پاکستان و بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی این کشور می‌شود. اهمیت این طرح به حدی است که از را با طرح مارشال امریکا برای احیای اقتصادی اروپا بعد از جنگ جهانی دوم مقایسه می‌کنند و گفته می‌شود پاکستان در قبل این طرح بر خود را از رشد اقتصادی ۷۵ تا ۸۲ درصدی خواهد داشت و ارزش سرمایه‌گذاری در این طرح معادل کل سرمایه‌گذاری‌هایی خواهد بود که از ۱۹۷۰ تاکنون در پاکستان شده است. با توجه به این حجم از منافع اقتصادی، اسلام‌آباد دیگر دغدغه‌ای بابت خودداری امریکا از کمک مالی به هند ندارد. چنانکه خواجه آصف، وزیر خارجه پاکستان، در چهارم ژانویه از بی‌اهمیت بودن قطع کمک‌های مالی کانگ سفید گفت چرا که به نظر وی از مدت‌های پیش در مورد آن چاره‌جویی و گزینه‌های جایگزین مختلفی در نظر گرفته شده بود. روشن است که طرح چینی دالان اقتصادی اصلی‌ترین گزینه برای اسلام‌آباد است و حالا که چین به طور کامل در کنار پاکستان و در مقابل تهدیدهای امریکا ایستاده، به نظر نمی‌رسد که تهدیدهای امریکا تأثیری بر اسلام‌آباد و این خط از تنش بین دو کشور بعد از این هم ادامه داشته باشد.

جهاد

سرویس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴۴



مقابله با یکجانبه‌گرایی امریکا

اصل راهبردی سیاست خارجی روسیه

نگاه شرقی کرملین برای رویارویی با ابر قدرت غرب

همزمان با پایان سال ۲۰۱۷، سرگنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، رتوس برنامه‌های روسیه در حوزه سیاست خارجی برای سال جدید میلادی را اعلام کرد. در راهبرد سیاست خارجی سال ۲۰۱۸ روسیه مسائل مختلفی مورد بحث قرار گرفته است. از جمله آنها انتقاد شدید از سیاست یکجانبه‌گرایی و تأکید بر چند جانبه‌گرایی، مسئله بحران هسته‌ای کره شمالی و درخواست حل و فصل مسألمت‌آمیز آن، لزوم پیشبرد راه‌حل سیاسی در بحران سوریه و مبارزه با تروریسم و انتقاد از همراهی امریکا با گروه‌های تروریستی، توسعه مشارکت راهبردی با مصر، تأکید بر پیشبرد گفت‌وگوهای سیاسی به منظور حل بحران یمن، تأکید بر گسترش روابط تجاری و اقتصادی با چین و انتقاد شدید از ادامه سیاست تحریمی از سوی غرب به ویژه امریکا قابل ذکر است.

نگاه انتقادی

یکی از مهم‌ترین مسأله‌ای که در چارچوب رتوس سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۸ مطرح شده، انتقاد از یکجانبه‌گرایی و لزوم شکل‌گیری جهانی چند قطبی است که مبتنی بر چند جانبه‌گرایی باشد. به گفته لاوروف، نظریه جهان چند قطبی نه ۱۰ سال بلکه ۲۰ سال قبل به میان آمد. از نگاه وی، گروه بریکس یکی از مظاهر جهان چند قطبی است. روسیه و چین به عنوان دو عضو مهم بریکس بارها با اقدامات یکجانبه‌گرایانه غرب به‌ویژه امریکا در زمینه مسائل مختلف بین‌المللی به مخالفت برخاسته‌اند. کما اینکه این دو کشور به مواردی مانند حمله به یوگسلاوی، اشغال عراق، بحران لیبی و جنگ داخلی در اوکراین به عنوان مواردی از مداخله‌جویی و یکجانبه‌گرایی امریکا اشاره کرده‌اند. در واقع شواهد حاکی از آن است که غرب به رهبری امریکا در سال‌های اخیر از مداخله‌جویی به عنوان شیوه معمول برای دستیابی به اهداف سلطه‌جویانه خود استفاده کرده‌است. به‌ویژه مسئله یکجانبه‌گرایی امریکا که هنوز خود را قدرت برتر در سطح قین‌المللی می‌پندارد و بر اساس این پندار موهوم به تعیین تکلیف مسائل جهانی می‌پردازد. از جمله مهم‌ترین انتقاداتی است که مسکو و یکن در سال‌های اخیر علیه واشنگتن مطرح کرده‌اند. امریکا خود را پلیس بین‌المللی می‌داند و به خود حق می‌دهد بدون مجوز شورای امنیت به عملیات نظامی در نقاط مختلف بپردازد. در مقابل مسکو و یکن، این عملکرد امریکا را صرفاً به منزله اقدامی تلقی می‌کنند که باعث مختل شدن وظایف شورای امنیت و گسترش هرج و مرج در صحنه بین‌المللی شده است. در عین حال مسئله کاربرد معیارهای دو گانه از سوی امریکا در قبال مسائل بین‌المللی نیز مطرح است که بارها نمونه آن را از جمله درباره مسئله هسته‌ای ایران مشاهده کرده‌ام. در واقع امریکایی‌ها صرفاً خود را در صحنه بین‌المللی محق می‌دانند و بنابراین هر گونه اقدام خود را مشروع و بر حق تلقی کرده و در مقابل اقدامات دیگر قدرت‌های رقیب را نامشروع می‌دانند. کما اینکه از دیدگاه امریکایی‌ها، مداخله آنها در اوکراین در راستای حمایت از دولت غربگرای کی‌یف مشروع است. اما اقدامات روسیه در زمینه حفظ حقوق روس‌تباران شرق اوکراین نامشروع و غیر قانونی است. امریکا و متحدانش به منظور تغییر موضع روسیه در این باره تحریم‌های یکجانبه و گسترده‌ای را علیه روسیه به اجرا گذاشته‌اند. کارنامه یکجانبه‌گرایی امریکا از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون کارنامه‌ای سراسر منفی و فاجعه‌بار بوده است.

ابعاد جدیدی در یکجانبه‌گرایی

از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور جدید امریکا، شاهد اوج‌گیری یکجانبه‌گرایی امریکا در عرصه جهانی با اعلام شعار «اول امریکا» توسط وی هستیم. سند استراتژی امنیت ملی امریکا که در دسامبر ۲۰۱۷ توسط ترامپ اعلام شد، بر این مسئله تأکید کرده که باید به دوستان و متحدان امریکا این اطمینان داده شود که ایالات متحده متعهد به پیمان‌های خود است و رهبری جهان آزاد را بر عهده خواهد داشت. در عین حال این سند به دشمنان و رقبای استراتژیک همدار می‌دهد که استراتژی‌های شکست خورده کنار گذاشته شده و امریکا آماده مبارزه با چالش‌هاست و قدرت خود را در خدمت تأمین امنیت مردم امریکا قرار داده است. به عبارت دیگر ترامپ با هشدار به جهان بر این موضوع تأکید می‌کند که آماده کاربرد قدرت سخت برای تحقق اهداف جهانی امریکاست. در این سند راهبردی شاهد به کارگیری ادبیات تهاجمی‌تر در همه سطوح به خصوص در مقابل رقبای و دشمنان امریکا در دو سطح بین‌المللی علیه چین و روسیه و در سطح منطقه‌ای علیه ایران و کره شمالی هستیم. این رویکرد ترامپ حتی انتقاد متحدان اروپایی واشنگتن را نیز برانگیخته است. کما اینکه انگلارم کل صدراعظم آلمان در اواخر آگوست ۲۰۱۷ ضمن انتقاد از سیاست‌های ترامپ، به وی هشدار داد که سیاست‌هایش به منزوی شدن و نه افزایش قدرت امریکا منتهی خواهد شد. از دیدگاه وی، تفکر ترامپ مبنی بر قرار دادن امریکا در اولویت نخست، این خطر را به وجود می‌آورد که اهمیت و قدرت نفوذ آن در عرصه جهانی کاهش یابد. به گفته ماری بسبیل ناو، محقق فرانسوی، سیاست‌های ترامپ که قصد پایان دادن به جهان چند قطبی را دارد، بر تحکم، بلوف و زد و بند مبتنی بوده و ویژه شخص اوست. دیدگاه مر کل در تضاد کامل با رویکرد ترامپ است. زیرا رئیس‌جمهور امریکا عقیده دارد که سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و خودمحرانه واشنگتن به افزایش قدرت و غلبه این کشور بر قیایبش منجر خواهد شد. در این چارچوب امریکا نه فقط به تحمیل سیاست‌های مورد نظر خود به دیگر کشورها می‌پردازد، بلکه در عرصه تجاری و اقتصادی نیز به سیاست هم‌بازگرایانه روی آورده و رویکردی را در پیش گرفته که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان در ضرر اقتصادی و تجارت جهانی است. پس از پیروزی ترامپ در انتخابات و راهیابی وی به کاخ سفید در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷، وی موضعگیری‌های علنی زیادی علیه سیاست تجارت آزاد و مخالفت با پیمان‌های تجاری بین‌المللی ابرار کرد که واکنش دیگر کشورها را برانگیخت. ترامپ در اواخر ژانویه ۲۰۱۷ فرمان خروج امریکا از «پیمان تجارت آزاد و سوی اقیانوس آرام» را صادر کرد که با واکنش منفی دیگر اعضای این پیمان بزرگ تجاری مواجه شد. در این چارچوب، مقامات ارشد و رؤسای کشورهای عضو گروه ۲۰ به عنوان بزرگ‌ترین گروه اقتصادی جهان، بارها مخالفت صریح خود را با این مسئله ابراز کرده و درباره پیامدهای خطرناک آن برای اقتصاد ۲۰۱۷، درباره پیامدهای منفی سیاست‌های حمایتی از صنایع داخلی کشورها هشدار دادند. یکی دیگر از عرصه‌های سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه امریکای دوره ترامپ، اعمال تحریم‌های یکجانبه با انگیزه‌های سیاسی است که نماد آن «کانتاس» قانون «کانتاس» است که در کنگره امریکا توسط ترامپ در ژوئیه ۲۰۱۷ بود. طبق این قانون تحریم‌های گسترده‌ای علیه روسیه به اجرا درمی‌آید که باعث محدودیت در زمینه سرمایه‌گذاری، تجارت و انتقال فناوری علیه روسیه می‌شود. ولادیمیر زاخاروف با اشاره به قانون کانتاسا می‌گوید: امریکا با اقدام‌های تازه خود در واقع ناتوانی اتحادیه اروپا و ضربه زدن به کشورهای اروپایی را می‌خواهد. اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه توسط دولت امریکای می‌تواند به ضرر ۱۰۰ میلیارد دلاری شرکت‌های نفتی و گازی امریکایی منجر شود. ولادیس لادوینیک، کارشناس روس پیش‌بینی کرده است اعمال تحریم‌های جدید از سوی امریکا علیه روسیه می‌تواند به شرکت‌های نفتی – گازی امریکایی و برخی دیگر از شرکت‌های این کشور ضربه وارد کند.

جمع‌بندی

با توجه به مسائل متعددی که روسیه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی با آنها مواجه است، تلاش جدی را برای ارائه و اجرای سیاست‌هایی در پیش گرفته که ضمن حفظ منافع ملی آن موجب تقویت موقعیت بین‌المللی آن به عنوان بازیگری مهم و تأثیرگذار در عرصه جهانی شود. ضمن اینکه یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی روسیه، تغییرات متناسب با تحولات در عرصه منطقه‌ای و جهانی در دیگر جنبه‌های رویکرد خارجی روسیه است که از جمله آنها می‌توان به تغییر رویکرد تجاری و اقتصادی روسیه اشاره کرد. با توجه به ادامه رویکرد تحریمی از سوی غرب به ویژه امریکا اتحادیه اروپا علیه روسیه، مسکو سیاست نگاه به شرق را در پیش گرفته و روابط گسترده چند جانبه با کشورهای شرق و جنوب آسیا برقرار کرده با در حال برقرار کردن آن. ضمن اینکه روس‌ها متوجه امریکای لاتین نیز شده و به توسعه روابط با برخی کشورهای این منطقه نیز پرداخته‌اند. از سوی دیگر نگاه روسیه به خاور میانه نیز اکنون نگاه توسعه حضور و نفوذ است و در این راستا ضمن حفظ پایگاه‌های خود در سوریه به دنبال گسترش روابط با کشورهای مهم منطقه از جمله مصر و ایران هستند. در مجموع سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۸ رویکردی پویا و پر تحرک به عرصه‌های بین‌المللی و مناطق مختلف جهان دارد.